

# اعلامیہ استقلال آمریکا

دان ناردو

ترجمہ مہدی حقیقت خواہ



## فهرست

- پیشگفتار: مردی که اعلامیه را نوشت ..... ۹
۱. سوء استفاده‌های بریتانیا از مهاجرنشین‌های آمریکایی‌اش .. ۱۵
۲. تصمیم به اعلام استقلال ..... ۳۳
۳. جفرسون اعلامیه را می‌نویسد..... ۴۷
۴. بازنگری و تصویب اعلامیه..... ۶۳
۵. جنگ برای به اجرا درآوردن اعلامیه..... ۷۹
۶. اعلامیه الهام‌بخش گونه‌ای انقلاب گسترده‌تر می‌شود..... ۹۷
- پیوست: اعلامیه استقلال ..... ۱۱۷
- یادداشت‌ها..... ۱۲۱
- برای مطالعه بیشتر ..... ۱۲۵
- آثار مرجع ..... ۱۲۷
- دیگر آثار مرجع..... ۱۳۱
- نمایه..... ۱۳۳

## رویدادهای مهم در تاریخ اعلامیه استقلال

۱۷۴۳

توماس جفرسون، نویسنده آتی اعلامیه استقلال، در مهاجرنشین بریتانیایی ویرجینیا متولد می شود.

۱۷۶۵

پارلمان قانون تمبر را به تصویب می رساند که بر همه نوع محصولات کاغذی وارداتی به مهاجرنشین ها عوارض می بندد.

۱۷۶۶

در واکنش به اعتراض های گسترده آمریکایی ها، بریتانیا قانون تمبر را ملغی می سازد.

۱۷۷۳

در اعتراض به مالیات برچای، گروهی از مردان بوستونی یک بار کشتی چای بریتانیایی را در بندرگاه به دریا می ریزند، رخدادی که به تی پارتی [واقعه چای] بوستون معروف می شود.

آوریل ۱۷۷۵

نیروهای بریتانیایی و آمریکایی در لکسینگتون و کنکورد در ماساچوست، برخورد پیدا می کنند، که سرآغاز درگیری هایی می شود که به زودی به انقلاب آمریکا تبدیل می شود.

۱۷۴۳

بریتانیا فرانسه را در جنگ های فرانسه و سرخپوستان شکست می دهد.

۱۷۶۴

پارلمان بریتانیا قانون درآمد از آمریکا را به تصویب می رساند که بر شکر و کالاهای تجملی وارداتی به مهاجرنشین های آمریکا مالیات وضع می کند.

۱۷۶۷

پارلمان قوانین تاونزند را تصویب می کند که بر سرب، رنگ، چای، و محصولات دیگر مالیات وضع می کند.

۱۷۷۰

بریتانیا قوانین تاونزند را ملغی می سازد، هرچند مالیات بر چای پابرجا می ماند.

مارس ۱۷۷۴

پارلمان «قوانین تحمل ناپذیر» را تصویب می کند، که شامل بستن بندر بوستون و اسکان سربازان بریتانیایی در خانه های مهاجرنشینان می شود.

۱۷۷۵

سپتامبر ۱۷۷۴  
نمایندگان مهاجرنشین ها در نخستین کنگره قاره ای گرد هم می آیند تا طرحی برای برخورد با سوءرفتارهای بریتانیا بریزند.

ژوئیه ۱۷۷۵

مهاجرنشینان دادخواست شاخه زیتون را برای شاه جورج می فرستند، درخواستی از او برای بازداشتن پارلمان از سوءرفتارش با مهاجرنشین ها.

ژوئن ۱۷۷۶

توماس جفرسون، به عنوان عضو کمیته ویژه منصوب کنگره، پیش نویس اعلامیه استقلال را تهیه می کند.

نوامبر ۱۷۷۵

شاه جورج اعلام می کند که مهاجرنشین ها آشکارا سر به شورش برداشته اند.

ژوئیه ۱۷۷۶

کنگره پیش نویس اعلامیه را به بحث می گذارد، حک و اصلاح می کند، و به تصویب می رساند.

دسامبر ۱۷۷۶

جورج واشنگتن از رود دلاور عبور می کند و بر سربازان آلمانی مزدور بریتانیا پیروز می شود.

۱۷۷۷

ژنرال بریتانیایی جان بورگوین می کوشد به نیویورک و نیوانگلند حمله کند اما شکست می خورد و تسلیم آمریکایی ها می شود.

۱۷۷۵

ژانویه ۱۷۷۶

توماس پین میهن دوست حس مشترک را منتشر می کند، جزوه ای که به صراحت از استقلال آمریکا دفاع می کند.

ژوئن ۱۷۷۶

مجلس قانونگذاری ویرجینیا در تأیید استقلال قطعنامه تصویب می کند.

اوت ۱۷۷۶

مراسم امضای رسمی اعلامیه برگزار می شود (هرچند همه نمایندگان کنگره در این زمان آن را امضا نمی کنند)؛ آمریکایی ها در نبرد لانگ آیلند متحمل شکست می شوند.

۱۷۸۳

۱۷۸۳

پیمان پاریس امضا می شود.

۱۷۷۷

۱۷۸۱

لرد چارلز کورنوالیس، پس از آن که در یورک تاون، در ساحل ویرجینیا، به محاصره در می آید، به ژنرال واشنگتن تسلیم می شود و جنگ پایان می یابد. مهاجرنشین های سابق اینک استقلال خود را که پنج سال پیش از آن در اعلامیه مطرح کرده بودند کسب کرده اند.

۱۷۷۶

۱۷۷۶

۱۷۷۶

۱۷۸۱

### مردی که اعلامیه را نوشت

آبراهام لینکلن، در ۲۲ فوریه ۱۸۶۱، کمی پس از آن که به عنوان شانزدهمین رئیس جمهور ایالات متحده بر سر کار آمد، در «تالار استقلال» در فیلادلفیا یک سخنرانی ایراد کرد که در بخشی از آن گفت:

من هیچ گاه به لحاظ سیاسی احساسی نداشته‌ام که از نظرات ابراز شده در اعلامیه استقلال برنخاسته باشد. اغلب به زحماتی اندیشیده‌ام که افسران و سربازان ارتش در کسب این استقلال متحمل شدند. اغلب از خودم پرسیده‌ام که این چه اصل یا ایده بزرگی بود که این اتحاد [گروه ایالت‌ها] را برای چنین مدت درازی استوار نگه داشته است.<sup>۱</sup>

وقتی مردی با چنان فراست و شرافت درخشان به یک سند سیاسی خاص چنین ابراز دین می‌کند، بیانگر عظمت آن سند و مؤلف آن است. لینکلن به راستی برای مردی که اعلامیه استقلال را نوشت، یعنی توماس جفرسون، ارج و احترام والایی قایل بود.

لینکلن می‌دانست انقلابی که باعث پیدایش ایالات متحده شد حاصل کوششی دسته‌جمعی بود، و نیازمند «زحمات» نه تنها «افسران و سربازان»، بلکه قانونگذاران، مغازه‌داران، کشاورزان، و بی‌شماری دیگران نیز بود. با این حال «اصل یا ایده بزرگ» پشت این انقلاب را یک مرد در چند ماده جاویدان بیان داشته است. جفرسون، در سندی که استقلال آمریکا را به جهان اعلام داشته بود، موفق شده بود جوهره اصلی آرزوهای انسان را برای آزادی، سلوک عادلانه، و خودمختاری بگنجانند. او با انجام دادن این کار، خود را به مثابه شخصیتی والا و مورد ستایش برای نسل‌های آینده تثبیت کرد. لینکلن نیز به یقین از جهتی به جفرسون به همین گونه می‌نگریست - فراتر از صرفاً یک انسان، به مثابه یک نماد، شاید نماد آمریکایی نمونه. (جالب آن که بعدها زمانی فرا رسید که به خود لینکلن نیز به همین شیوه نگریسته می‌شد.)